

Promoting Tax Revenues of Iranian Provinces within the Framework of Resistance Economy Components

Mohammad Ghaffary Fard^{*}

Fatima Yousufi^{**}

Abstract

Taxation, as one of the key revenue sources for the government, plays a fundamental role in financing infrastructure investments and improving household welfare. This revenue source is dependent on sustainable and endogenous growth, and economies built on such taxation typically exhibit high resilience. In this regard, this research examines the impact of the components of resilient economy on the tax revenues of Iranian provinces. The primary objective of this study is to analyze the effects of five key components of resilient economy, namely knowledge-based, justice-oriented, endogenous, exogenous, and people-centered economies, on the tax revenues of the provinces. To achieve this, data related to these components and the tax revenues of Iranian provinces from 2011 to 2019 were analyzed using econometric methods and panel data models. The findings indicate that the first four components (knowledge-based, justice-oriented, endogenous, and exogenous) have a positive and significant relationship with tax revenues. In other words, provinces that are stronger in these areas tend to generate higher tax revenues. However, the people-centered component shows a negative relationship with tax revenues, highlighting the necessity for strategies to improve this relationship. Ultimately, it is suggested that economic policymakers focus on strengthening the positive components to enhance the resilient economy and tax revenues. Additionally, auxiliary variables including Gross Domestic Product (GDP), exports, and composite components of resilient economy were also examined, revealing that, except for inflation, the other variables have a positive and significant impact on tax revenues. This research can serve as a foundation for designing effective tax policies and enhancing tax revenues in Iranian provinces.

Keywords

Knowledge-Based, Panel Data, Resilient Economy, Tax Revenues.

JEL Classification: H71, O20, C33

* Associate Professor , Faculty of Economics and Management, Ahlul Bayt International University (AS) Tehran Iran (Mghaffaryfard@gmail.com).

** Master's student of Economics, Islamic Economics, Ahlul Bayt International University Tehran Iran (fatimayousufi1020@gmail.com).

ارتقای درآمدهای مالیاتی استان‌های ایران در بستر مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی

محمد غفاری فرد*
فاطمه یوسفی**

چکیده

مالیات به‌عنوان یکی از منابع کلیدی درآمدی دولت، نقش اساسی در تأمین مالی سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی و بهبود سطح رفاه خانوارها ایفا می‌کند. این منبع درآمدی به رشد پایدار و درون‌زا وابسته است و اقتصادهایی که بر پایه این نوع مالیات شکل گرفته‌اند، معمولاً از تاب‌آوری بالایی برخوردارند. در این راستا پژوهش حاضر به بررسی تأثیر مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی بر درآمدهای مالیاتی استان‌های ایران می‌پردازد. هدف اصلی تحقیق پیش رو، بررسی تأثیر پنج مؤلفه کلیدی اقتصاد مقاومتی شامل دانش‌بنیان بودن، عدالت‌محور بودن، درون‌زایی، برون‌گرایی و مردم‌محور بودن بر درآمدهای مالیاتی استان‌هاست؛ بدین منظور داده‌های مربوط به این مؤلفه‌ها و درآمدهای مالیاتی استان‌های ایران از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸ با استفاده از روش‌های اقتصادسنجی (FMOLS) و مدل پنل دیتا تحلیل شده‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که چهار مؤلفه اول (دانش‌بنیان بودن، عدالت‌محور بودن، درون‌زایی و برون‌گرایی) با درآمدهای مالیاتی رابطه مثبت و معناداری دارند. به عبارت دیگر استان‌هایی که در این باره‌ها قوی‌ترند، درآمدهای مالیاتی بیشتری کسب می‌کنند، اما مؤلفه مردم‌محور بودن رابطه منفی با درآمدهای مالیاتی دارد که این موضوع ضرورت اتخاذ راهکارهایی برای بهبود این رابطه را نشان می‌دهد، در نهایت پیشنهاد می‌شود که سیاست‌گذاران اقتصادی بر تقویت مؤلفه‌های مثبت تمرکز کنند تا اقتصاد مقاومتی و درآمدهای مالیاتی را ارتقا دهند. همچنین متغیرهای کمکی شامل تولید ناخالص داخلی، صادرات و مؤلفه‌های ترکیبی اقتصاد مقاومتی نیز بررسی شده‌اند که به جز تورم، سایر متغیرها تأثیر مثبت و معناداری بر درآمدهای مالیاتی دارند. پژوهش حاضر می‌تواند به‌عنوان مبنایی برای طراحی سیاست‌های مالیاتی مؤثر و ارتقای درآمدهای مالیاتی در استان‌های ایران مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی

اقتصاد مقاومتی، پنل دیتا، دانش‌بنیان بودن، درآمدهای مالیاتی.

طبقه‌بندی JEL: H71، O20، C33

* دانشجویار گروه علوم اقتصادی دانشگاه بین‌المللی اهل بیت (ع)، تهران، ایران/ نویسنده مسئول
(mghaffaryfard@abu.ac.ir).

** دانشجوی کارشناسی ارشد علوم اقتصادی دانشگاه بین‌المللی اهل بیت (ع)، تهران، ایران
(fatimayousufi1020@gmail.com).

مقدمه

اقتصاد مقاومتی به عنوان رویکردی استراتژیک در مدیریت اقتصادی کشورها، به بررسی و تقویت ابعاد مختلف اقتصادی در شرایط چالش برانگیز می پردازد. این مفهوم به ویژه در کشورهایی مانند ایران که با تحریم ها و محدودیت های متعددی مواجه اند، اهمیت ویژه ای می یابد. از جمله مؤلفه های کلیدی اقتصاد مقاومتی می توان به دانش محور بودن اقتصاد، عدالت بنیانی اقتصاد، درون زایی اقتصاد، برون گرایی اقتصاد و مردم محور بودن اقتصاد اشاره کرد.

مالیات به عنوان مهم ترین منبع درآمد نقش کلیدی در تأمین مالی دولت ها در کشورهای مختلف جهان به خصوص در کشورهای توسعه یافته دارد. دولت ها خدمات عمومی و تأمین زیرساخت های اساسی مانند: جاده ها و برق را فراهم می کند. برای ارائه این خدمات، هزینه زیادی نیاز است. بیشتر کشورها برای تأمین این خدمات، به درآمدهای مالیاتی تکیه کرده اند. درآمدهای مالیاتی زمینه ایجاد رشد و توسعه می گردد و از طریق آن بودجه دولت فراهم می شود؛ همان گونه که درآمدهای مالیاتی ناکافی چالش های بسیاری را در بهبود رشد و توسعه به وجود می آورد.

مالیات در ترکیب منابع درآمدی دولت در برخی کشورهای در حال توسعه سهم ۹۰ درصدی دارد. همچنین مالیات در کنار وظیفه تأمین مالی بودجه دولت در کشورهای در حال توسعه به عنوان یکی از ابزارهای مهم سیاست گذاری مالی و اقتصادی دولت محسوب می شود (ایمانی برندق و همکاران، ۱۳۹۵).

در این راستا درآمدهای مالیاتی به عنوان یکی از مهم ترین منابع تأمین مالی برای دولت محسوب می شوند و می توانند نقش بسزایی در پیاده سازی اصول اقتصاد مقاومتی ایفا کنند. ارتقای درآمدهای مالیاتی همچنین می تواند به بهبود کیفیت خدمات عمومی، توسعه زیرساخت ها و کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی کمک نماید.

با وجود تلاش های انجام شده در سال های اخیر برای بهبود نظام مالیاتی در ایران، این نظام هنوز با چالش های زیادی روبه رو می باشد و به دلیل درآمدهای بالای نفتی، نتوانسته است به جایگاه واقعی خود در تأمین منابع مالی بودجه دولت دست یابد. بررسی ها نشان می دهد بین سال های ۱۳۵۲-۱۳۹۵ متوسط سهم درآمدهای نفتی از کل درآمدهای دولت حدود ۵۵ درصد و سهم درآمدهای مالیاتی از کل درآمدهای دولت حدود ۳۱ درصد بوده است. همچنین سهم مالیات از منابع بودجه عمومی که یکی از شاخص های مهم در ارزیابی نقش مالیات در تأمین مالی بودجه

دولت به‌شمار می‌رود، نشان می‌دهد که در سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۷، به‌رغم تلاش‌های گسترده برای تقویت نظام مالیاتی، سهم مالیات از حدود ۳۱ درصد در سال ۱۳۹۰ به تقریباً ۴۲ درصد در سال ۱۳۹۷ افزایش یافته است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۷). نسبت‌های پیش‌گفته نشان‌دهنده این واقعیت است که ساختار اقتصادی ایران و ترکیب منابع بودجه دولت به درآمدهای غیرمالیاتی وابسته است و بخش قابل توجهی از منابع بودجه دولت از طریق فروش نفت تأمین می‌شود، درحالی‌که میانگین سهم مالیات از کل درآمدهای دولت در کشورهای منتخب در سال‌های مختلف بیش از ۶۴ درصد بوده است (آمارهای جی.اف.اس، ۲۰۱۷). بالا بودن سهم درآمد حاصل از فروش نفت و پایین بودن سهم درآمدهای مالیاتی در ترکیب درآمدهای دولت، علاوه‌براینکه دولت با عوارض ناگواری مانند وابستگی درآمد روبه‌رو می‌شود، کشور را از بهره‌مندی سیاست‌های مالی محروم می‌سازد که این موضوع می‌تواند به آسیب‌پذیری اقتصادی منجر شود (ایراندوست و مداح، ۱۳۹۷). بر اساس آخرین گزارش‌های مرکز آمار ایران و وزارت نفت، سهم درآمدهای نفتی در درآمدهای دولت ایران در سال‌های اخیر به‌طور قابل توجهی تغییر کرده است. در سال ۲۰۲۳ م سهم درآمدهای نفتی به‌طور تقریبی ۳۰ تا ۴۰ درصد از کل درآمدهای دولت را تشکیل می‌دهد. این تغییرات ناشی از تحریم‌های بین‌المللی، نوسانات قیمت نفت و تلاش دولت برای تنوع‌بخشی به منابع درآمدی بوده است.

در پژوهش حاضر قصد داریم به بررسی و تحلیل راهکارهای ارتقای درآمدهای مالیاتی در استان‌های ایران پردازیم و مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی را به‌عنوان بستری برای این امر معرفی کنیم. با توجه به شرایط اقتصادی کنونی و نیاز به تحقق اهداف توسعه‌ای، شناسایی شیوه‌های مؤثر برای افزایش درآمدهای مالیاتی، در راستای تقویت پایه‌های اقتصادی و اجتماعی استان‌ها اهمیت بسیاری دارد.

مقاله پیش رو کوشیده است با گردآوری و تحلیل داده‌های مربوط به درآمدهای مالیاتی در استان‌های ایران و ارتباط آن با مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی، راهکارهای عملی و مؤثری برای بهبود این وضعیت ارائه دهد. ساختار مقاله به‌گونه‌ای است که پس از مقدمه، به مبانی نظری، پیشینه پژوهش، روش انجام پژوهش، تجزیه و تحلیل یافته‌ها و در آخر به نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات سیاستی پرداخته شده است.

۱. مبانی نظری

بر اساس بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، امام خامنه‌ای (قدس‌الله نفسه الزکیه)، اقتصاد مقاومتی بدین‌صورت تعریف می‌شود که اقتصادی در شرایط سخت، تهدیدها و دشمنی‌ها بتواند به اهداف خود دست یابد. این نوع اقتصاد قادر است در مواجهه با فضای نامساعد، بحران‌ها و فشارهای خارجی و داخلی که به آن تحمیل می‌شود، همچنان اهداف تعیین‌شده را دنبال کرده و به آنها برسد. چنین اقتصادی را می‌توان به‌عنوان اقتصاد مقاومتی شناخت (عبدالملکی، ۱۳۹۴، ص ۴۶۶).

رهبر معظم انقلاب اسلامی در ۲۹ بهمن ۱۳۹۲ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی را پس از عبارت جهاد اقتصادی ابلاغ کردند تا دورنمای روشن‌تر و جامع‌تری از اهداف انقلاب اسلامی ترسیم شود. سیاست‌های اقتصادی ایران اسلامی باید در راستای تکمیل و ادامه سیاست‌های پیشین، به‌ویژه سیاست‌های مطرح در قانون اساسی کشور، طراحی و اجرایی شوند. این سیاست‌ها شامل ۲۴ بند می‌باشد که به سران سه قوه ابلاغ گردیده، هدف‌شان تدوین استراتژی کلان اقتصادی کشور در سال‌های آتی است. در این راستا با تمرکز بر محورهای اصول اقتصاد مقاومتی، مشاهده می‌شود که تحقق ایران اسلامی به‌عنوان یک هدف بلندمدت برای کشور، نیازمند توجه همزمان به جنبه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است (قائم‌نیا، ۱۳۹۲).

برخی اقتصاددانان، اقتصاد مقاومتی را این‌گونه معرفی کرده‌اند:

نوعی اقتصاد است که معمولاً در تقابل با اقتصاد وابسته و مصرف‌کننده یک کشور قرار می‌گیرد و در مقابل اهداف اقتصادی سلطه، ایستادگی کرده و سعی در تغییر ساختارهای اقتصادی موجود و بومی‌سازی آن بر اساس جهان‌بینی و اهداف دارد. برای تداوم این اقتصاد، باید بیشتر به‌سمت محدودکردن استفاده از منابع نفتی و رهایی از اتکای اقتصاد کشور به این منابع حرکت کرد و توجه داشت که اقتصاد مقاومتی در شرایطی معنا پیدا می‌کند که جنگی وجود داشته باشد.

در تعریفی دیگری، اقتصاد مقاومتی عبارت از افزایش بهره‌وری است. ایجاد شرکت‌های دانش‌بنیان و حمایت از آنها نیز موضوعات مربوط به اقتصاد مقاومتی است که نقش مهمی در افزایش توان کشور به هدف حرکت در مرزهای دانش دارد و همچنین این موضوع باعث کاهش آسیب‌پذیری در مقابل تحریم‌ها می‌شود (ملکان و جوادی، ۱۳۹۴).

مالیات به‌عنوان مهم‌ترین منبع درآمدی، نقش اساسی در تأمین مالی دولت‌ها در کشورهای

مختلف جهان به خصوص در کشورهای توسعه یافته دارد؛ به گونه ای که سهم مالیات در برخی کشورهای توسعه یافته به بیش از ۹۰ درصد می رسد (سازمان توسعه و همکاری های اقتصادی، ۲۰۱۷). مالیات در کشورهای توسعه یافته به عنوان یک ابزار مهم سیاست گذاری مالی و اقتصادی محسوب می شود (ایمانی برندق و همکاران، ۱۳۹۵).

نظام مالیاتی در هر کشور نقش کلیدی در تأمین منابع مالی دولت و هزینه های عمومی دارد. با این حال برخی کشورها با مشکلاتی مانند کاهش درآمدهای مالیاتی و افت تولید ناخالص داخلی روبه رو هستند. برای مقابله با این چالش ها و بهبود وضعیت مالی کشور، یک الگوی بهبود درآمد مالیاتی و تولید ناخالص داخلی می تواند مؤثر باشد.

۱-۱. تبیین سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی

سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی با اهداف بهبود شاخص های مقاومت اقتصادی، تأمین رشد پویا و دسترسی به اهداف سند چشم انداز بیست ساله با رویکرد جهادی، انعطاف پذیر، مولد، فرصت ساز، پیشرو، درونزا و برون گرا در سال ۱۹۳۲م ابلاغ گردید. در بیانات امام خامنه ای (قدس الله نفسه الزکیه)، ویژگی هایی برای اقتصاد مقاومتی مطرح شده که مهم ترین آنها عبارت است از: عدالت محوری، مردم بنیانی، دانش بنیانی، درونزا و برون گرا بودن. یکی از الزامات اقتصاد مقاومتی، کاهش وابستگی به نفت بوده و این وابستگی میراث صدساله کشور است. اگر جامعه ایران بتواند از فرصت هایی که وجود دارد، استفاده کند و نفت را با فعالیت های دیگر جایگزین کند، حرکت بزرگی در زمینه اقتصاد انجام داده است. ظرفیت های گوناگونی در این کشور وجود دارد که می تواند خلأهای این کشور را پر کند. یکی از این کارها صنایع دانش بنیان است. برای اینکه به اهداف مورد نظر برسند، باید دستگاه های اجرایی مبتنی بر دانش روز و فناوری های نوین وجود داشته باشد و روش های قدیمی و سنتی را کنار گذاشته و خود را با شیوه های جدید دنیا مجهز نمایند. در اقتصاد، دانش یادگیری فناوری ها عامل اصلی تولید و رفاه جامعه است. بعضی از کشورها ممکن است منابع زیرزمینی خود را به صاحبان ثروت و علم در دنیا منتقل کنند، محصولات آنها را خریداری کنند و در ظاهر شاید پیشرفتی را احساس کنند که درواقع پیشرفت نیست. پیشرفت زمانی میسر خواهد شد که درونزا باشد و متکی به نیروی خود کشور باشد و به همین دلیل است که وزن کشورها، ملت ها و دولت ها به همین درونزایی آنها وابستگی دارد. اگر

چنانچه از درون یک حرکت، جهش و رشدی به وجود آید، به یک کشور و ملت وزن، ارزش، اعتبار و ابهت می‌دهد (شقایق شهری و کریم، ۱۳۹۵، ص ۷۱).

۱-۲. مؤلفه‌های کلیدی اقتصاد مقاومتی

مؤلفه‌های اقتصاد دانش بنیان شامل دانش بنیان بودن اقتصاد، عدالت بنیان بودن اقتصاد، درون‌زا و برون‌زا بودن و مردم محور بودن در اقتصاد هست که در ادامه بدان پرداخته می‌شود.

۱-۲-۱. دانش بنیان بودن اقتصاد

جهان به مرحله جدیدی از تحولات اقتصادی وارد شده است که در آن، اطلاعات، نوآوری و دانش اهمیت بیشتری نسبت به سایر عوامل تولید دارند. کشورهایی که به اقتصاد مبتنی بر دانش تبدیل شوند، آینده‌ای برتر خواهند داشت. بهره‌برداری مؤثر از دانش نیازمند شرایط مناسب و زیرساخت‌های لازم است. در عصر کنونی، شکاف بین کشورهای پیشرفته و در حال توسعه در حال افزایش است و تأخیر در تحول به اقتصاد دانش بنیان می‌تواند منجر به فاصله‌های جبران‌ناپذیر شود. اگرچه برخی معتقدند اقتصاد دانش بنیان مختص کشورهای ثروتمند است، شواهد نشان می‌دهد که راهکارهای موفق نیز در کشورهای در حال توسعه وجود دارد. برای تحول به اقتصاد دانش بنیان در دنیای رقابتی، وجود یک چشم‌انداز و نقشه‌راه دقیق ضروری است. تأمین منابع و ارکان کلیدی برای توسعه این اقتصاد، از مسائل اساسی است. علم، نوآوری و فناوری باید تحت برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری مشخص قرار گیرند و سیاست‌های علم و فناوری به صورت جامع تدوین شوند (میر شاه‌ولایتی و نظری‌زاده، ۱۴۰۲، ص ۵).

یکی از شاخص‌های کلیدی در حوزه توسعه اقتصادی، تحول به سمت اقتصاد مبتنی بر دانش است. کشورهای پیشرفته همواره در تلاش‌اند تولیدات ملی خود را بر پایه فناوری‌های نوین و دانش علمی روز پی‌ریزی کنند. تفاوت اساسی میان کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه عمدتاً به‌کارگیری مؤثر دانش و فناوری‌های پیشرفته است؛ به‌همین دلیل جمهوری اسلامی ایران با درک عمیق از اهمیت این موضوع و با تأکید بر بهره‌گیری از نیروی انسانی جوان و تحصیل‌کرده، اقتصاد دانش بنیان را در راستای تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در دستور کار قرار داده است (عمارلو و روحانی، ۱۳۹۷، ص ۱۲).

۱-۲-۲. عدالت بنیان بودن اقتصاد

در اقتصاد متعارف، به‌ویژه در نظریه‌های خرد نئوکلاسیکی، استدلال‌هایی در مورد عدالت اقتصادی مشاهده می‌شود که ممکن است کارایی لازم را نداشته باشند و تنها از یک جنبه (زاویه تقاضا) به این موضوع پرداخته شده باشد. بر اساس نظریه نئوکلاسیک، در صورتی با یک توزیع مجدد درآمد موجب افزایش مطلوبیت کل اقتصاد می‌شود و با این عمل، یک گام به بهینگی پارتو نزدیک‌تر می‌شویم. توزیع مجدد درآمد تا زمانی ادامه خواهد داشت که دیگر نتواند مطلوبیت کل را افزایش دهد. اگر اقتصاد به این نقطه برسد، بدین معناست که بهینگی پارتو به‌دست آمده است؛ زیرا در شرایط بهینگی پارتو، بالاترین سطح مطلوبیت ممکن است. طبق این نظریه، عادلانه‌ترین توزیع، توزیعی است که سطح رفاه کل جامعه را به حداکثر برساند (Wang & Sandholm, 2003, pp.2-3).

۱-۲-۳. درون‌زایی و برون‌زایی

در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، دو مؤلفه کلیدی به نام‌های درون‌گرایی و برون‌گرایی مطرح است. در سال ۱۳۹۳، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در سخنانی در حرم مطهر رضوی و در جمع مردم و مسئولان، مفهوم برون‌گرایی اقتصاد را تبیین کردند. ایشان فرمودند این اقتصاد از ظرفیت‌های داخلی کشور و مردم نشئت می‌گیرد؛ بنابراین درون‌زاست و رشد آن به امکانات داخلی ایران وابسته است. باین حال ایشان تأکید کردند که اقتصاد مقاومتی صرفاً درون‌زا نیست، بلکه برون‌گراست؛ بدین معنا که اقتصاد کشور محدود به مرزهای داخلی نیست و با اقتصاد جهانی تعامل دارد و در برابر آن با قدرت ایستادگی می‌کند؛ بنابراین اقتصاد مقاومتی نه تنها درون‌زاست، بلکه از لحاظ اصولی، برون‌گرا نیز به‌شمار می‌رود (شقایق شهری و کریم، ۱۳۹۵، ص ۷۲).

۱-۲-۴. مردم‌محور بودن

به‌منظور دسترسی به رشد اقتصادی، کشورها تلاش دارند به‌منظور ایجاد فضای رقابت، میزان مشارکت مردم در فعالیت‌های اقتصادی یا خصوصی‌سازی را در قالب مشارکت عمومی — خصوصی افزایش دهند؛ براین اساس مردمی‌بودن یا خصوصی‌سازی اقتصاد از جمله مؤلفه‌های مهم اقتصاد مقاومتی به‌شمار می‌رود. به‌طور مشخص‌تر در جمهوری اسلامی ایران، مشارکت مردم در الگوی اقتصاد مقاومتی به دو علت مهم است: ۱. دولتی‌بودن اقتصاد؛ ۲. نفتی‌بودن اقتصاد.

مشکلات فراوانی را دولتی بودن و نفتی بودن اقتصاد به دنبال دارد که از جمله اثرات مستقیم این امر می‌توان به کاهش بهره‌وری عوامل تولید، پایین بودن میزان رشد اقتصادی، طولانی شدن زمان سرمایه‌گذاری‌ها، ناعادلانه توزیع شدن درآمدها، افزایش فساد اداری، ایجاد رانت اقتصادی و... اشاره کرد (یوسفی و غفاری، ۱۳۹۵، ص ۱۳۰).

۱.۳. درآمدهای مالیاتی و اقتصاد مقاومتی

دولت یک عملکرد حیاتی را در چهارچوب اقتصادی انجام می‌دهد. در این باره درآمدهای دولتی از طریق مجموعه‌ای از مالیات‌ها، تعرفه‌ها و درآمد حاصل از صنعت نفت تأمین می‌شود و متعاقباً درآمدهای به دست آمده را به روند انباشت پس انداز هدایت می‌کند (بهبودی و همکاران، ۱۳۹۲). وابستگی به درآمدهای نفتی و عدم انضباط مالی نشان‌دهنده چالش‌های قابل توجهی است که اقتصادهای کشورهای چشم‌انداز با آن روبه‌رو هستند. استراتژی کاهش نقش دولت از طریق ارتقای اقتصاد بازارگرا بر اساس تفسیر اصل ۴۴ قانون اساسی اساسی است. علاوه بر این کاهش وابستگی بودجه دولت به درآمدهای نفتی و افزایش سهم درآمدهای مالیاتی در بودجه دولت، اصول اساسی اقتصاد مقاومتی در حوزه تأمین مالی عمومی است. گفتمان پیرامون افزایش انعطاف‌پذیری اقتصاد ملی در چهارچوب تقویت سیستم مالی و تقویت نسبت درآمدهای مالیاتی حاصل از تولید، زمینه‌سازی شده است. اولویت‌بندی تقویت نظام مالی کشور در عین حال کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی، کاهش کسری دولت و افزایش سهم درآمدهای مالیاتی در بودجه ضروری است و بدین ترتیب نسبت درآمدهای نفتی در چهارچوب بودجه کاهش یابد. ریشه‌کن کردن وابستگی به درآمدهای نفتی جزء اصلی اقتصاد مقاومتی است. در واقع بند ۹ ضرورت اصلاح و ارتقای جامع نظام مالی کشور برای پاسخ‌گویی مناسب به نیازهای اقتصاد ملی، تثبیت آن و پیشبرد استحکام‌بخش واقعی تأکید دارد؛ بنابراین با توجه به سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، بررسی کامل درآمدهای مالیاتی دولت و پیامدهای آن ضروری است (علیزاده و همکاران، ۱۴۰۲).

۱.۴. تورم و مالیات

اگر تورم افزایش یابد، درآمدهای مالیاتی را کاهش می‌دهد. برای توضیح قانع‌کننده از نوسانات گسترده نسبت‌های نرخ تورم مالیاتی در کشورهای مختلف در دوره‌های کوتاه‌مدت، توجه ویژه به

عوامل تعیین کننده پایه های مالیاتی ضروری است. اثرات تورم بر مالیات می تواند از سه راه بررسی شود: نخست، بر اساس اثر تانزی - الیور در یک محیط تورمی، زمانی که پرداخت های تحقق یافته مالیاتی با تأخیر صورت می پذیرد، به ناچار مالیات از مقدار آن در زمان اصلی خودش کمتر است. دوم، برخی عوارض بر برخی کانال ها مانند دخانیات، بنزین و... ممکن است با نرخ خاصی صورت گیرد که لزوماً با تورم تعدیل نشود و سرانجام، نرخ های بالای تورم پایه مالیاتی را کاهش می دهد؛ زیرا بر اثر ارزش واقعی ثروت، عوامل اقتصادی سبب دارایی خود را طوری تعدیل می کنند که در آن دارایی هایی وجود داشته باشد که از اصابت مالیات فرار کنند (مانند زمین، جواهرات، سرمایه خارجی، احشام و...). کسب درآمد دولت از راه هایی مانند چاپ پول به افزایش حجم پول در گردش اقتصاد و در نتیجه افزایش تورم منجر می شود. بیشتر بودن نرخ تورم بر اتکای بیشتر دولت به درآمدهای غیر مالیاتی و کاهش سطح درآمدهای مالیاتی دلالت می کند (عرفانی و همکاران، ۱۳۹۵).

۱.۵. صادرات و مالیات

صادرات به عنوان یک عامل کلیدی در رشد اقتصادی، می تواند به افزایش درآمدهای مالیاتی کمک کند. زمانی که صادرات افزایش می یابد، تولید و اشتغال نیز افزایش می یابد که به تبع آن، درآمدهای مالیاتی نیز افزایش می یابد. افزایش صادرات به رشد اقتصادی و در نهایت به افزایش درآمدهای مالیاتی منجر می شود؛ زیرا تولیدکنندگان و کسب و کارها درآمد بیشتری کسب کرده و مالیات بیشتری پرداخت می کنند (Khan & Qayyum, 2007).

۱.۶. تولید ناخالص داخلی و مالیات

تولید ناخالص داخلی به عنوان یک شاخص کلیدی از فعالیت اقتصادی، ارتباط مستقیم و قوی با درآمدهای مالیاتی دارد. به طور کلی با افزایش GDP، درآمدهای مالیاتی نیز افزایش می یابد؛ زیرا فعالیت های اقتصادی بیشتر، منجر به ایجاد درآمد و در نتیجه پرداخت مالیات بیشتر می شود. مالیات ها به طور مستقیم با سطح تولید ناخالص داخلی ارتباط دارند و تغییرات در GDP می تواند تأثیرات قابل توجهی بر درآمدهای مالیاتی داشته باشد (Metcalf & Fullerton, 2002).

۲. پیشینه تحقیق

در ادامه مروری بر مطالعات داخلی و خارجی مرتبط با اقتصاد مقاومتی و تاب‌آوری اقتصادی انجام می‌شود:

۲-۱. پیشینه داخلی

فلاحی و مرادپور اولادی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی اثر شوک‌های مالیاتی در اقتصاد ایران» بیان کرده‌اند که نوسانات ناشی از شوک‌های مالیاتی تأثیرات زیادی بر اقتصاد ایران دارد. به‌طور کلی هر شوک وارد شده به درآمدهای مالیاتی ایران اثرات منفی بر اقتصاد به‌همراه دارد. تقی سلطانی و پورغفاردستجردی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «فرآیند جهانی‌شدن و تأثیر آن بر درآمدهای مالیاتی در ایران» به بررسی درآمدهای مالیاتی و تأثیر شاخص جهانی‌شدن به‌همراه برخی متغیرهای کلان اقتصادی با استفاده از مدل خودتوضیح برداری پرداخته‌اند. نتایج نشان‌دهنده رابطه مثبت بین درآمدهای مالیاتی و خروج سرمایه‌اند. هادیان و تحویلی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «شناسایی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی در اقتصاد ایران» به این نتیجه رسیده‌اند که دلایل اقتصادی مؤثر در گسترش اقتصاد زیرزمینی، کیفیت خدمات عمومی، مقررات دولتی، کیفیت نظام تأمین اجتماعی، فساد اقتصادی و وضعیت بازار نیروی کارند. خادم‌علیزاده (۱۳۹۴) در مقاله «نظام مالیاتی انعطاف‌پذیر، یکی از الزامات عقلی و شرعی در اقتصاد مقاومتی» تأکید می‌کند که انعطاف‌پذیری نظام مالیاتی به‌همراه معرفی پایه‌های جدید مالیاتی و تغییر نرخ‌ها در شرایط عادی می‌تواند به تأمین منابع مالی و افزایش تاب‌آوری دولت و مردم کمک کند. ابونوری و لاجوردی (۱۳۹۵) با استفاده از روش حداکثر راست‌نمایی، آسیب‌پذیری و تاب‌آوری اقتصادی کشورهای اوپک را برای دوره ۱۳۷۴-۱۳۹۲ بررسی کردند و نتایج نشان می‌دهد ایران در این شاخص در میان ۱۲ کشور اوپک، ششمین رتبه را دارد. شمس‌الدینی و شهرکی (۱۳۹۵) با استفاده از روش رگرسیون به‌ظاهر نامرتبط (SURE) به بررسی عوامل مؤثر بر درآمدهای مالیاتی در ایران پرداختند و نتیجه گرفتند مالیات‌های مستقیم و مالیات بر مصرف، کشش درآمدی کمتری دارند، درحالی‌که مالیات بر واردات، کشش بیشتری دارد. شقاقی شهری (۱۳۹۶) به ارزیابی تاب‌آوری اقتصادی ایران در میان رقبای منطقه‌ای پرداخته و نشان داده است جایگاه ایران مطلوب نیست و پیشرفت چندانی نداشته است. کریمی موعاری و غلامرضا (۱۳۹۷) با استفاده از روش

خودرگرسیون با وقفه‌های گسترده (ARDL) تأثیر شاخص‌های توسعه بر درآمدهای مالیاتی ایران را بررسی کردند و نتایج نشان داد افزایش تولید ناخالص داخلی سرانه، تأثیر مثبت بر مالیات‌های مستقیم و تأثیر منفی بر مالیات‌های غیرمستقیم دارد. تمیزی (۱۳۹۷) به مطالعه عوامل مؤثر بر درآمدهای مالیاتی با رویکرد اقتصادسنجی بیزی پرداخت و به این نتیجه رسید که نرخ سواد، رشد تولید ناخالص داخلی و ارزش افزوده بخش صنعت تأثیر مثبت بر درآمدهای مالیاتی دارند، درحالی‌که نرخ ارز و ضریب جینی تأثیر منفی دارند. طاهرپور و امیری (۱۳۹۷) با استفاده از شاخص‌های آسیب‌پذیری و تاب‌آوری، جایگاه اقتصادی ایران را در سال ۲۰۱۲ در میان هجده کشور منتخب محاسبه کردند و نشان دادند که ایران در این رتبه شانزدهم را دارد.

۲-۲. پیشینه خارجی

بریگوگلیو (Briguglio, L, G) و همکاران در پژوهشی باعنوان «آسیب‌پذیری اقتصادی و تاب‌آوری: مفاهیم و اندازه‌گیری» به بررسی میزان تاب‌آوری کشورها، از جمله ایران پرداخته‌اند. در این مطالعه، ایران با شاخص ۵۱۴/۰ و رتبه ۶۴ از ۸۶ کشور در بدترین وضعیت قرار دارد. جک بورمن (Jack, B) و همکاران در مقاله‌ای باعنوان «شاخص تاب‌آوری سستینتال: اندازه‌گیری تاب‌آوری کشورها در برابر شوک‌ها» به بررسی توانایی کشورهای در حال توسعه در مواجهه با شوک‌های اقتصادی پرداختند. این مطالعه با استفاده از ۵۲ متغیر در ۱۰ زیرشاخص، عواملی را شناسایی کرد که به افزایش تاب‌آوری این کشورها در برابر شوک‌های خارجی کمک می‌کند. موروزومی و جوز ویگا (Morozumia & José Veiga) در تحقیقی باعنوان «هزینه‌های عمومی و رشد: نقش پاسخ‌گویی دولت» به بررسی تأثیر نهادها بر هزینه‌های عمومی و رشد اقتصادی در هشتاد کشور در سال‌های ۱۹۷۰-۲۰۱۰ پرداخت. نتایج نشان می‌دهد پاسخ‌گویی نهادها به افزایش سرمایه عمومی و رشد اقتصادی منجر می‌شود. نوآوری این تحقیق در سیستم‌محوری نظام مالیاتی با رویکرد اسلامی برای تحقق اقتصاد مقاومتی است. ساندرمن (Sondermann, D) در مطالعه‌ای تأثیر ساختار اقتصادی کارآمد بر تاب‌آوری کشورهای OECD را بررسی کرد و نشان داد که بازارهای کار و محصول مناسب، مقاومت در برابر شوک‌های خارجی را افزایش می‌دهند. معویج (Mawejje, J) به بررسی تأثیر درآمدهای حاصل از فروش منابع طبیعی بر درآمدهای مالیاتی در ۳۱ کشور آفریقایی پرداخت و نتیجه گرفت که این درآمدها تأثیر منفی و معناداری بر درآمدهای

مالیاتی دارند. کیتسوس (Kitsos A) و همکاران در مطالعه‌ای با عنوان «نقش تعیین‌کننده در انعطاف‌پذیری اقتصادی منطقه‌ای: شواهدی از انگلستان» تأثیر صنعت محلی بر تاب‌آوری اقتصادی مناطق بریتانیا را بررسی کردند و نشان دادند که بحران مالی ۲۰۰۸م تأثیرات متفاوتی بر مناطق گوناگون داشت. بشیر (Basheer, M) و همکاران با استفاده از تکنیک داده‌های پانل به بررسی تأثیر عوامل اقتصادی و مالی بر درآمدهای مالیاتی بحرین و عمان در دوره ۱۹۹۰-۲۰۱۰ پرداختند و رابطه معناداری بین درآمدهای مالیاتی و متغیرهای اقتصادی یافتند. قیراقی (Gheorghe) و همکاران به بررسی تأثیر تاب‌آوری اقتصادی بر درآمدهای مالیاتی در کشورهای در حال توسعه پرداختند و به این نتیجه رسیدند که افزایش تاب‌آوری اقتصادی می‌تواند به بهبود عملکرد درآمدهای مالیاتی کمک کند. استونسون جوانه (Stevenson Joanne R) و همکاران در مطالعه‌ای تأثیر تاب‌آوری اجتماعی بر قابلیت جمع‌آوری مالیات در کشورهای گوناگون را بررسی کردند و نشان دادند که جوامع با ساختار اجتماعی قوی‌تر، پاسخ بهتری به تغییرات اقتصادی دارند.

۲-۳. نوآوری تحقیق

تحقیق حاضر با عنوان «ارتقای درآمدهای مالیاتی استان‌های ایران در بستر مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی» به بررسی تأثیر پنج مؤلفه کلیدی اقتصاد مقاومتی بر درآمدهای مالیاتی استان‌ها می‌پردازد و از روش اقتصادسنجی پنل دیتا استفاده می‌کند. این نوآوری در شناسایی و تحلیل روابط میان این مؤلفه‌ها و درآمدهای مالیاتی، در مقایسه با مطالعات پیشین که بیشتر بر تأثیرات کلی و نهادها تمرکز داشتند، به سیاست‌گذاران اقتصادی کمک می‌کند تا راهکارهای مؤثری برای بهبود تاب‌آوری اقتصادی و افزایش درآمدهای مالیاتی طراحی کنند. این رویکرد می‌تواند به عنوان مبنایی برای تحقیقات آینده در این باره باشد.

۳. روش تحقیق

تحقیق حاضر بر اساس یک چهارچوب روش‌شناختی کاربردی طراحی شده است که از داده‌های پانلی شامل ترکیبی از مقاطع زمانی و مکانی استفاده می‌کند. هدف اصلی پژوهش، بررسی تأثیر مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی بر درآمدهای مالیاتی استان‌های جمهوری اسلامی ایران است. به منظور دستیابی به نتایج دقیق و معتبر، از یک شاخص ترکیبی برای سنجش اثرگذاری مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی استفاده شده است.

داده‌های آماری و اطلاعات تجربی مورد استفاده در مطالعه پیش رو، از سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸ جمع‌آوری شده و از منابع معتبر مانند وبسایت بانک مرکزی، سالنامه‌های آماری و دیگر مراجع مربوطه تأمین گردیده است.

در تحقیق حاضر از روش حداقل مربعات معمولی کاملاً اصلاح‌شده (FMOLS) به دلیل توانایی آن در رفع مشکلات هم‌انباشتگی و ارائه تخمین‌های دقیق‌تر برای ضرایب استفاده شده است. این روش به خصوص در تحلیل داده‌های پانلی که متغیرها در طول زمان و بین مقاطع مختلف نوسان دارند، مؤثر است و می‌تواند تأثیرات بلندمدت روابط بین متغیرها را به خوبی مدل‌سازی کند. همچنین FMOLS به ما این امکان را می‌دهد که تأثیر مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی بر درآمدهای مالیاتی را به طور دقیق‌تری تحلیل کنیم.

فرآیند اجرایی FMOLS شامل جمع‌آوری و پیش‌پردازش داده‌ها، آزمون هم‌انباشتگی و سپس اجرای مدل در نرم‌افزار EViews است. در این مراحل، متغیرهای مستقل (مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی) و متغیر وابسته (درآمدهای مالیاتی) وارد مدل می‌شوند و ضرایب تخمینی محاسبه می‌گردند. سپس نتایج به دست آمده تحلیل و آزمون‌های تشخیصی برای بررسی فرضیات مدل انجام می‌شود تا اعتبار نتایج تأیید گردد. این رویکرد جامع به ما کمک می‌کند تا تأثیر مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی بر درآمدهای مالیاتی را با دقت و اعتبار بالا مورد بررسی قرار دهیم.

مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی به صورت ذیل به دست آمده است:

- **مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی (CECR):** اقتصاد مقاومتی حاوی مؤلفه‌هایی چون درون‌زایی (با تکیه بر امکانات داخلی)، برون‌گرایی (اقتصاد متعامل با اقتصاد جهانی)، دانش‌بنیانی (اقتصاد بر پایه دانش)، مردم‌بنیاد (اقتصاد مردمی)، عدالت‌محور (مبتنی بر تولید ثروت و افزایش ثروت ملی) است (باقری، ۱۳۹۴، ص ۲۱).

- **عدالت‌بنیانی اقتصاد (LFJE):** ضریب جینی (معکوس‌شده)، با معکوس کردن ضریب جینی، یک شاخص جدید دست می‌آید که به صورت نسبی نشان‌دهنده سطح عدالت در توزیع درآمد است. معکوس ضریب جینی به ما اجازه می‌دهد تا توجه بیشتری به توزیع عادلانه درآمد داشته باشیم. به عبارت دیگر هرچه این مقدار بیشتر باشد، نشان‌دهنده توزیع عادلانه‌تر درآمد در جامعه است.

- **دانش‌بنیانی اقتصاد (LKBE):** شاخص سیستم نوآوری شامل، تعداد ثبت اختراع ساکنان،

تعداد ثبت اختراع غیرساکنان و تعداد مقالات و مجلات علمی و تخصصی، شاخص‌های فناوری اطلاعاتی و ارتباطی شامل دارندگان تلفن همراه به ازای هزار نفر و کاربران اینترنت، شاخص آموزش و منابع انسانی شامل ثبت نام در دوره دوم تحصیلی، ثبت نام در دوره سوم تحصیلی و مخارج آموزش به عنوان درصد از تولید ناخالص داخلی.

- **درون‌زایی اقتصاد (LEE):** نسبت درآمدهای مالیاتی استان بر تولید ناخالص داخلی استان. درون‌زایی اقتصاد به معنای تقویت و توسعه ظرفیت‌های داخلی برای تولید و تأمین نیازهای اقتصادی است و به تقویت توان‌مندی‌های داخلی و کاهش وابستگی به منابع خارجی اشاره دارد. نسبت بالای درآمدهای مالیاتی به GDP نشان‌دهنده توان‌مندی‌های اقتصادی و ظرفیت‌های تولیدی داخلی است که به دولت اجازه می‌دهد بر منابع داخلی تکیه کند و از وابستگی به درآمدهای خارجی بکاهد. این نسبت بیانگر مشارکت فعال بخش خصوصی در تولید و ارزش‌آفرینی است که می‌تواند به تقویت نوآوری و بهره‌وری در اقتصاد منجر شود.

- **برون‌گرایی اقتصاد (LEOE):** نسبت صادرات بر تولید ناخالص داخلی استان.

- **مردم محوربودن اقتصاد (LPCE):** اندازه دولت.

در تحقیق حاضر متغیرهای که مورد استفاده قرار گرفته است، شامل درآمدهای مالیاتی به حیث متغیر وابسته، مؤلفه پنج‌گانه اقتصاد مقاومتی متغیرهای مستقل و متغیرهای صادرات، مؤلفه‌های ترکیبی اقتصاد مقاومتی، نرخ تورم و GDP به عنوان متغیرهای کمکی در مدل در نظر گرفته شده است.

۳-۱. مدل تحقیق

$$TAX = a + \beta_1 TIKBE + \beta_2 LFGE + \beta_3 LEE + \beta_4 LEOE + \beta_5 LPCE + U$$

LKBE: اقتصاد دانش‌بنیان

LFJE: عدالت‌بنیانی اقتصاد

LEE: درون‌زایی اقتصاد

LEOE: برون‌زایی اقتصاد

LPCE: مردم محوربودن اقتصاد

$$TAX = a + \beta_1 CECR + \beta_2 Ex + \beta_3 GDP - \beta_4 INF$$

CECR: مؤلفه‌های ترکیبی اقتصاد مقاومتی

EX: صادرات

GDP: تولید ناخالص داخلی

INF: تورم استانی

۳-۲. فرضیه‌های تحقیق

فرضیه H_0 : مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی تأثیری بر درآمدهای مالیاتی استان‌های جمهوری اسلامی ایران ندارند.

فرضیه H_1 : مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی تأثیر مثبت و معناداری بر درآمدهای مالیاتی استان‌های جمهوری اسلامی ایران دارند.

۴. یافته‌های تحقیق

۱۳۴

در ادامه تأثیر مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی بر درآمدهای مالیاتی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در ابتدا آزمون‌های گوناگون آماری محاسبه و در نهایت برآورد مدل‌های اصلی انجام می‌شود:

۴-۱. آزمون مانایی برای مدل اول

باتوجه به نگرانی از وجود فرآیندهای تصادفی و پتانسیل رگرسیون جعلی در بین متغیرها قبل از تخمین، بررسی وجود ریشه‌های واحد درون متغیرها ضروری است؛ بنابراین لازم است قبل از تخمین مدل، تعیین ایستاداری (یا عدم ثبات بودن) متغیرها قبل از تخمین مدل، تا اطمینان حاصل شود که یافته‌ها غلط نیستند و نتایج قابل اعتماد را به دست می‌آورند.

آزمون ثبات بودن در درجه اول برای کاهش خطر رگرسیون جعلی انجام می‌شود. برای دور زدن رگرسیون جعلی، ضروری است که متغیرها ثابت بودن را نشان دهند. متناوباً باید از متغیرهای متفاوت استفاده کنید که به طور معمول ثابت‌اند.

متغیر	آماره	سطح احتمال	پویایی
LTAX	-8.81042	0.0000	مانا
LLEE	-9.16747	0.0000	مانا
LLEOE	-22.9001	0.0000	مانا
LLFJE	-955520	0.0000	مانا

متغیر	آماره	سطح احتمال	پویایی
LLPCE	-12.2406	0.0000	مانا
LTIKBE	-8.54144	0.0000	مانا

جدول شماره ۱: آزمون مانایی

یافته‌های پژوهش: باتوجه به جدول پیشین متغیرهای این مدل دارای احتمال کمتر از ۵ درصد می‌باشند و در مرحله اول مانا بودند.

۴-۲. آزمون هم‌جمعی کائو مدل اول

به‌منظور تجمع متغیر از آزمون KAO استفاده شده است. نتایج این ارزیابی در جدول ذیل ارائه شده است. ازطریق اجرای این آزمون می‌توان با انباشت متغیرها یا وجود یک رابطه تعادل بلندمدت بین آنها را مشخص کرد.

آماره	آماره t	سطح احتمال
ADF	-5.924773	0.0000

جدول شماره ۲: آزمون هم‌جمعی کائو

یافته‌های پژوهش: مطابق با جدول مذکور، همان‌گونه که در مدل اولیه تشخیص داده شد، جدول احتمال به زیر ۵ درصد محاسبه می‌شود؛ بنابراین نشان می‌دهد که حضور هم‌تجمع در مدل تأیید شده است و فرضیه صفر (H_0) که ادعا می‌کند عدم انباشت هم‌انباشت در نتیجه رد می‌شود؛ بنابراین می‌توان ادعا کرد که یک رابطه طولانی مدت بین متغیرهای مستقل و وابسته وجود دارد.

۴-۳. آزمون اف. لیمر مدل اول

آزمون چاو به‌منظور ارزیابی برابری ضرایب دو معادله رگرسیونی خطی که از مجموعه‌های داده‌ای متفاوت استخراج شده‌اند، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

Effects Test	statistic	d.f	prob
Cross-section F	36.688169	30.243	0.0000
Cross-section Chi-square	477.112311	30	0.0000

جدول شماره ۳: آزمون چاو یا اف لیمر

یافته‌های پژوهش: بر اساس جدول مذکور، آماره آزمون کمتر از ۵ درصد است. این امر بدین معناست که فرضیه H_0 رد شده و مدل با استفاده از روش رگرسیون با اثرات ثابت برآورد شده است.

۴-۴. آزمون هاسمن مدل اول

آزمون هاسمن به منظور تمایز و شناسایی بین مدل‌های اثرات ثابت و اثرات تصادفی در داده‌های پانلی به کار می‌رود. در این باره مدل اثرات تصادفی به دلیل کارایی بالاتر برآوردگر تحت فرض صفر، مورد ترجیح قرار می‌گیرد، اما در صورتی که فرض صفر رد شود، مدل اثرات ثابت به عنوان گزینه مناسب‌تری انتخاب می‌شود.

Test summary	Chi-sq.statistic	Chi-sq.d.f.	prob
Cross- section random	۳۵۴/۹۴۱۷۸۴	۵	0.0000

جدول شماره ۴: آزمون هاسمن

یافته‌های پژوهش: نتایج آزمون هاسمن حاکی از آن است که مقدار آماره محاسبه شده کمتر از مقدار آماره موجود در جدول است؛ از این رو فرضیه H_0 رد می‌شود و تخمین مدل بر اساس روش رگرسیون با اثرات ثابت انجام خواهد گرفت. و در تمامی استان‌های ایران که مورد بررسی قرار گرفته اثرات یکسان و ثابت دارند؛ یعنی اثرات این متغیرها روی متغیر وابسته یکسان‌اند.

۴-۵. برآورد مدل اول و تحلیل آن

برای برآورد رابطه بین درآمدهای مالیاتی به عنوان متغیر وابسته و متغیر شاخص‌های اقتصاد مقاومتی به عنوان متغیرهای مستقل، مدل به صورت ذیل ارائه می‌شود. نتایج این برآورد برای ۳۱ استان کشور طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸ با استفاده از نرم افزار ایویوز و روش حداقل مربعات معمولی کاملاً اصلاح شده در جدول بیان شده است.

Variable	Coefficient	Std.Error	t-Statistic	prob
LLPCE	-0.029916	0.002684	-11.14761	0.0000
LLFJE	0.237827	0.024048	9.889574	0.0000
LLEOE	0.054909	0.003962	13.85744	0.0000
LTIKBE	0.112390	0.017625	6.376872	0.0000
LLEE	0.568306	0.009751	58.28098	0.0000
R2	0.99			

یافته‌های پژوهش

$$\text{Tax revenue} = 0.56\text{LEE} + 0.11\text{TKIBE} + 0.054\text{LEOE} + 0.23\text{LFJE} - 0.029\text{LPCE}$$

باتوجه به نتایج تحقیق در جدول پیشین، اگر یک درصد در مؤلفه درون‌زایی اقتصاد افزایش رونما شود، به‌اندازه ۰/۵۶ درصد افزایش در درآمدهای مالیاتی خواهیم دید. یک درصد تغییر در متغیر مؤلفه‌های ترکیبی اقتصاد دانش‌بنیان منجر به ۰/۱۱ درصد افزایش در درآمدهای مالیاتی می‌گردد. متغیر بعدی که مؤلفه برون‌گرایی اقتصاد است، در ازای یک درصد افزایش در متغیر مذکور، مالیات‌ها به‌اندازه ۰/۰۵۴ درصد افزایش می‌یابند. یک درصد تغییر در متغیر عدالت بنیانی اقتصاد منجر به ۰/۲۳ درصد تغییر در درآمدهای مالیاتی می‌گردد و به‌عنوان آخرین مؤلفه اقتصاد مقاومتی، مردم‌محور بودن اقتصاد که برگرفته از اندازه دولت می‌باشد و رابطه منفی با درآمدهای مالیاتی دارد، یک درصد تغییر مثبت یا منفی در متغیر پیش‌گفته منجر به ۰/۰۲۹ درصد تغییرات منفی یا مثبت در متغیر مذکور می‌شود و حاکی از رابطه منفی بین متغیر مذکور و درآمدهای مالیاتی است. مقدار ضریب تعیین در این مدل ۰/۹۹ حاصل شده است که نشان می‌دهد ۹۹ درصد از تغییرات درآمدهای مالیاتی در استان‌های کشور را متغیرهای موجود در مدل توضیح داده است؛ یعنی مدل از قدرت توضیح‌دهندگی بالایی برخوردار است.

۴-۶. آزمون مانایی برای مدل دوم

این آزمون برای متغیرهای کمکی وارد شده در مدل دوم تحقیق انجام شده است که نشان‌دهنده عدم وجود رگرسیون کاذب در تحقیق می‌باشد:

متغیر	آماره	احتمال	پویایی
LGDP	1.74653	0.0404	مانا (۲)
LEX	-5.66876	0.0000	مانا
LCECR	-14.3154	0.0000	مانا
INF	12.6397	0.0000	مانا

جدول شماره ۶: آزمون مانایی متغیرهای کمکی مدل دوم

یافته‌های پژوهش: همان‌گونه که در جدول پیشین مشاهده می‌گردد، احتمال (پرآب) این

متغیرها کمتر از ۵ درصد بوده و همه متغیرها مانا می‌باشند. گفتنی است متغیر تولید ناخالص داخلی پس از دوبار تفاضل‌گیری مانا شده است.

۴-۷. آزمون هم‌جمعی کائو مدل دوم

با انجام این آزمون می‌توان وجود یک رابطه تعادل بلندمدت بین متغیرها را مشخص کرد:

آماره	آماره t	احتمال
ADF	-2.571758	0.0051

جدول شماره ۷: آزمون هم‌جمعی کائو مدل دوم

یافته‌های پژوهش: همان‌گونه که در نتیجه آزمون مذکور دیده می‌شود، سطح احتمال این آزمون کمتر از ۵ درصد بوده و رابطه بلندمدت بین متغیرها برقرار است.

۴-۸. آزمون اف. لیمر مدل دوم

بر اساس نتیجه این آزمون، آماره آزمون کمتر از ۵ درصد است. این بدین معناست که فرضیه H_0 رد شده و مدل با استفاده از روش رگرسیون با اثرات ثابت برآورد شده است.

Effects Test	statistic	d.f	prob
Cross-section F	15.598117	30.243	0.0000
Cross-section Chi-square	298.441771	30	0.0000

جدول شماره ۸: آزمون اف لیمر مدل دوم

۴-۹. آزمون هاسمن مدل دوم

نتایج آزمون هاسمن انجام‌گرفته بر این مدل نشان می‌دهد که مقدار آماره به‌دست آمده کمتر از آماره جدول است؛ بنابراین فرضیه H_0 رد شده و تخمین مدل بر اساس روش رگرسیون با اثرات ثابت صورت گرفته است؛ یعنی اثرات متغیرها روی درآمدهای مالیاتی در تمامی استان‌های موردنظر در این تحقیق (۳۱ استان) یکسان‌اند.

Test summary	Chi-sq.statistic	Chi-sq.d.f.	prob
Cross-section random	27.754100	4	0.0000

جدول شماره ۹: آزمون هاسمن مدل دوم

۴-۱۰. برآورد مدل دوم و تحلیل آن

در پژوهش حاضر علاوه بر بررسی مؤلفه‌های ترکیبی اقتصاد مقاومتی بر درآمدهای مالیاتی متغیرهای کمکی شامل تولید ناخالص داخلی، صادرات، تورم و ترکیبی از مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی نیز بر درآمدهای مالیاتی مورد بررسی و پژوهش قرار گرفته است که به صورت مدل ذیل ارائه می‌شود. نتایج این برآورد برای ۳۱ استان کشور طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸ با استفاده از نرم‌افزار ایویوز و روش حداقل مربعات معمولی کاملاً اصلاح شده در جدول بیان شده است.

Variable	Coefficient	Std.Error	t-Statistic	prob
LGDP	1.164194	0.024453	4760945	0.00
LEX	0.030836	0.010468	2.945697	0.00
LCECR	0.125550	0.064390	1.949828	0.05
INF	-0.014580	0.000865	-16.84632	0.00
R2	0.97			

جدول شماره ۱۰: برآورد متغیرهای کمکی تحقیق با استفاده از روش FMOLS

۱۳۹

یافته‌های پژوهش

$$TAX = 1.16GDP + 0.03Ex + 0.12CECR - 0.01INF$$

باتوجه به نتایج در جدول پیشین، اگر یک درصد افزایش در متغیر تولید ناخالص داخلی رونما گردد، به اندازه ۱/۱۶ درصد افزایش در درآمدهای مالیاتی به وجود خواهد آمد، یک درصد تغییر در متغیر صادرات به اندازه ۰/۰۳ درصد افزایش یا کاهش در درآمدهای مالیاتی می‌گردد، متغیر مؤلفه‌های ترکیبی اقتصاد مقاومتی در صورت یک درصد تغییر در آن باعث ایجاد ۰/۱۲ درصد تغییر در درآمدهای مالیاتی می‌شود و آخرین متغیر تأثیرگذار بر درآمدهای مالیاتی در این تحقیق، متغیر تورم می‌باشد که در صورت یک درصد افزایش در متغیر مذکور، به اندازه ۰/۰۱ درصد کاهش در درآمدهای مالیاتی به وجود خواهد آورد که نشان‌دهنده رابطه منفی با درآمدهای مالیاتی می‌باشد. مقدار ضریب تعیین در این مدل ۰/۹۷ حاصل شده است که نشان می‌دهد ۹۷ درصد از تغییرات درآمدهای مالیاتی در استان‌های کشور را متغیرهای موجود در مدل توضیح داده است؛ یعنی مدل از قدرت توضیح‌دهندگی بالایی برخوردار است.

نتیجه

تحقیق حاضر در جهت تبیین شاخص‌های اقتصاد مقاومتی بر درآمدهای مالیاتی با استفاده از

داده‌های آماری مؤلفه‌های پنج‌گانه اقتصاد مقاومتی و به‌واسطه روش مورس با یکدیگر ترکیب شده‌اند و داده‌های متغیرهای توضیحی استفاده‌شده در مدل تصریح‌شده در تحقیق پیش رو، طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۸ با رویکرد داده‌های تابلویی از روش FMOLS یا حداقل مربعات کاملاً اصلاح‌شده انجام یافته است.

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد تاب‌آوری اقتصادی به‌ویژه از طریق مؤلفه‌های دانش‌بنیان‌بودن، عدالت‌محوربودن، درون‌زایی و برون‌گرایی اقتصاد، نقش مهمی در افزایش درآمدهای مالیاتی استان‌های ایران دارد. این امر بدان معناست که تقویت این مؤلفه‌ها می‌تواند به‌طور مستقیم به بهبود وضعیت مالی دولت و در نتیجه توانایی آن در ارائه خدمات عمومی و توسعه زیرساخت‌ها کمک کند. با این حال رابطه منفی میان مردم‌محوربودن اقتصاد و درآمدهای مالیاتی نیازمند بررسی دقیق‌تر و یافتن راهکارهایی برای هم‌راستاکردن این دو هدف است.

نتایج به‌دست آمده از تصریح مدل که از روش حداقل مربعات کاملاً اصلاح‌شده حاکی از این است که بین چهار مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی و درآمدهای مالیاتی تأثیر مثبت و معنادار و یک مؤلفه مردم‌محوربودن تأثیر منفی و معنادار بر درآمدهای مالیاتی دارند؛ همان‌گونه که در یافته‌های تحقیق ذکر شد.

اگر یک درصد تغییرات در مؤلفه درون‌زایی اقتصاد رونما گردد، به‌اندازه ۰/۵۶ درصد افزایش در درآمدهای مالیاتی خواهیم دید. یک درصد تغییر در متغیر مؤلفه‌های ترکیبی اقتصاد دانش‌بنیان منجر به ۰/۱۱ درصد افزایش در درآمدهای مالیاتی می‌گردد. متغیر بعدی که مؤلفه برون‌گرایی اقتصاد است، در ازای یک درصد افزایش در متغیر مذکور، مالیات‌ها به‌اندازه ۰/۵۴ درصد افزایش می‌یابند. یک درصد تغییر در متغیر عدالت‌بنیانی اقتصاد منجر به ۰/۲۳ درصد تغییر در درآمدهای مالیاتی می‌گردد و به‌عنوان آخرین مؤلفه اقتصاد مقاومتی، مردم‌محوربودن اقتصاد که برگرفته از اندازه دولت می‌باشد و رابطه منفی با درآمدهای مالیاتی دارد، یک درصد تغییر مثبت یا منفی در متغیر پیش‌گفته منجر به ۰/۲۹ درصد تغییرات منفی یا مثبت در متغیر مذکور می‌شود و حاکی از رابطه منفی میان متغیر مذکور و درآمدهای مالیاتی است.

مقدار ضریب تعیین در این مدل ۰/۹۹ حاصل شده است که نشان می‌دهد ۹۹ درصد از تغییرات درآمدهای مالیاتی در استان‌های کشور را متغیرهای موجود در مدل توضیح داده است؛ یعنی مدل از قدرت توضیح‌دهندگی بالایی برخوردار است.

در پژوهش حاضر متغیرهای کمکی شامل تولید ناخالص داخلی، صادرات، مؤلفه‌های ترکیبی اقتصاد مقاومتی و متغیر تورم نیز وارد گردیده که اثرات آن روی درآمدهای مالیاتی مورد بررسی قرار گرفته است و به‌جز متغیر تورم که اثر منفی و معنادار بر درآمدهای مالیاتی دارد، سایر متغیرهای کمکی اثر مثبت و معنادار بر درآمدهای مالیاتی دارند.

پیشنهادهای سیاستی

بر اساس نتایج برآورد مدل اول و دوم تحقیق و اثربخشی اقتصاد مقاومتی و مؤلفه‌های آن بر درآمدهای مالیاتی استان‌های ایران، توصیه‌های سیاستی به‌شرح ذیل ارائه می‌شود:

۱. **تقویت اقتصاد دانش‌بنیان:** باتوجه به تأثیر مثبت ۱۱/۰ درصدی مؤلفه‌های ترکیبی اقتصاد دانش‌بنیان بر درآمدهای مالیاتی، پیشنهاد می‌شود دولت به سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات (IT) بپردازد. این سرمایه‌گذاری می‌تواند به تسهیل دسترسی کسب‌وکارها به دانش و فناوری‌های نوین کمک کند. همچنین ارائه تسهیلات مالی و معافیت‌های مالیاتی به شرکت‌های دانش‌بنیان می‌تواند نوآوری و توسعه فناوری را تشویق نماید و درنهایت منجر به افزایش درآمدهای مالیاتی شود.

۲. **تأکید بر عدالت اقتصادی:** باتوجه به تأثیر مثبت ۲۳/۰ درصدی عدالت محوری بودن اقتصاد بر درآمدهای مالیاتی، اصلاح نظام مالیاتی و افزایش شفافیت در توزیع بار مالیاتی می‌تواند به کاهش فرار مالیاتی و توزیع عادلانه‌تر بار مالیاتی کمک کند. همچنین تقویت سازوکارهای مبارزه با فساد می‌تواند فضای رقابتی سالم و عادلانه‌ای برای فعالان اقتصادی ایجاد کند.

۳. **تقویت درون‌زایی اقتصاد:** یافته‌ها نشان می‌دهد که تغییر یک درصد در مؤلفه درون‌زایی اقتصاد منجر به افزایش ۵۶/۰ درصدی درآمدهای مالیاتی می‌شود؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود دولت با حمایت از صنایع داخلی و ایجاد مشوق‌های صادراتی، تولید داخلی را افزایش دهد. توسعه زنجیره‌های ارزش نیز می‌تواند به افزایش ارزش افزوده و تقویت پیوندهای اقتصادی کمک کند.

۴. **توسعه برون‌گرایی اقتصاد:** باتوجه به تأثیر ۵۴/۰ درصدی مؤلفه برون‌گرایی اقتصاد بر درآمدهای مالیاتی، پیشنهاد می‌شود دولت تسهیلات مالی و مشوق‌های صادراتی را به صادرکنندگان ارائه دهد تا صادرات غیرنفتی افزایش یابد. همچنین جذب سرمایه‌گذاری خارجی و توسعه روابط تجاری با کشورهای مختلف می‌تواند به تنوع‌بخشی به بازارهای صادراتی کمک کند.

۵. بازنگری در رویکرد مردم‌محوری اقتصاد: یافته‌ها نشان می‌دهد مؤلفه مردم‌محوربودن اقتصاد رابطه منفی $۰/۰۲۹$ درصدی با درآمدهای مالیاتی دارد. برای هم‌راستاکردن این دو هدف، پیشنهاد می‌شود تحقیقات بیشتری انجام شود تا دلایل این رابطه منفی شناسایی شود. همچنین افزایش آگاهی عمومی در مورد اهمیت پرداخت مالیات و نقش آن در توسعه کشور می‌تواند به بهبود فرهنگ مالیاتی کمک کند.

منابع

۱. ابونوری، اسمعیل و حسن لاجوردی؛ «برآورد شاخص آسیب‌پذیری و تاب‌آوری اقتصادی به‌روش پارامتریکی: بررسی موردی کشورهای عضو اوپک»، فصلنامه نظریه‌های کاربردی اقتصاد؛ ش ۳، پاییز ۱۳۹۵، ص ۲۵-۴۴.
۲. ایراندوست، مژگان و مجید مداح؛ «الگوهای متفاوت درآمد و مخارج دولت در کشورهای منتخب عضو منا با تأکید بر ایران»، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان؛ ش ۲۲، تابستان ۱۳۹۷، ص ۱۴۱-۱۶۰.
۳. ایمانی برندق، محمد و دیگران؛ «بررسی عوامل مؤثر بر کیفیت مالیاتی در ایران با استفاده از رویکرد سلسله‌مراتبی»، فصلنامه پژوهش‌های تجربی حسابداری؛ ش ۴، تابستان ۱۳۹۵، ص ۴۷-۶۳.
۴. باقری، مهدی؛ بررسی تأثیر مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی بر توسعه سازمانی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)؛ تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ۱۳۹۴.
۵. بهبودی، داوود و دیگران؛ «تأثیر درآمدهای نفتی بر سرمایه اجتماعی در ایران»، پژوهش‌های رشد و توسعه پایدار (پژوهش‌های اقتصادی)؛ ش ۳، پاییز ۱۳۹۲، ص ۱۰۹-۱۲۴.
۶. تقی‌سلطانی، مهدی و جواد پورغفار دستجردی؛ «فرآیند جهانی شدن و تأثیر آن بر درآمدهای مالیاتی در ایران»، پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی؛ ش ۲۰، تابستان ۱۳۹۱، ص ۱۴۳-۱۶۹.
۷. تمیزی، علیرضا؛ «بررسی عوامل تعیین‌کننده درآمدهای مالیاتی ایران، رویکرد اقتصادسنجی بیزی»، فصلنامه اقتصاد مقداری (بررسی‌های اقتصادی سابق)؛ ش ۱، بهار ۱۳۹۷، ص ۲۲۵-۲۴۴.
۸. جواد زادآقدم، هادی و رامین چراغی؛ «نگاهی به مفهوم عدالت اجتماعی با تأکید بر شاخص‌های عدالت اقتصادی»، مجموعه مقالات کنگره پیشگامان پیشرفت؛ ۱۳۹۲، ص ۵-۱.
۹. خادم‌علیزاده، امیر؛ «نظام مالیاتی انعطاف‌پذیر یکی از الزامات عقلی و شرعی در اقتصاد مقاومتی»، مجموعه مقالات هشتمین همایش سیاست‌های مالی و مالیاتی ایران؛ تهران: مؤسسه توسعه و تحقیقات اقتصادی (دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران و سازمان امور مالیاتی کشور)، ۱۳۹۴، ص ۷۵۰-۷۷۱.
۱۰. شقاقی شهری، وحید؛ «ارزیابی و مقایسه وضعیت تاب‌آوری اقتصادی ایران با رقبای منطقه‌ای»، پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی؛ ش ۲۵، پاییز ۱۳۹۶، ص ۱۸۳-۲۱۸.

۱۱. شمس‌الدینی، مصطفی و جواد شهرکی؛ «بررسی عوامل مؤثر بر میزان درآمدهای مالیاتی در ایران»، سیاست‌گذاری اقتصادی؛ ش ۱۵، بهار ۱۳۹۵، ص ۷۷-۱۱۶.
۱۲. طاهرپور، جواد و سارا امیری؛ «جایگاه آسیب‌پذیری و تاب‌آوری اقتصادی ایران در بین کشورهای نفتی»، مجلس و راهبرد؛ ش ۲۵، بهار ۱۳۹۷، ص ۱۲۱-۱۴۸.
۱۳. عبدالملکی، حجت‌الله؛ اقتصاد مقاومتی: درآمدی بر مبانی نظری، سیاست‌ها و برنامه عمل؛ تهران: بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۴.
۱۴. عرفانی، علیرضا و دیگران؛ «تحلیل اقتصادی امکان اعمال مالیات بر سپرده‌های بانکی»، فصلنامه دانش سرمایه‌گذاری؛ ش ۵، پاییز ۱۳۹۵، ص ۲۵۵-۲۶۸.
۱۵. علیزاده، شیوا و دیگران؛ «بررسی اثر اقتصاد مقاومتی بر درآمدهای مالیاتی در استان‌های ایران»، مطالعات اقتصاد بخش عمومی؛ ش ۳، پاییز ۱۴۰۲، ص ۲۳۳-۲۵۰.
۱۶. غفاری، داود و زهره پورحاتم؛ «اقتصاد مقاومتی»، برگرفته از تارنگار حماسه اقتصاد؛ آبان ۱۳۹۲.
۱۷. فلاحتی، علی و مهدی مرادپور اولادی؛ «بررسی اثر شوک‌های مالیاتی در اقتصاد ایران»، پژوهشنامه مالیات؛ ش ۱۲، زمستان ۱۳۹۰، ص ۱۸۳-۲۱۰.
۱۸. قائمی‌نیا، علی اصغر؛ «نقش رسانه‌ها در گفتمان‌سازی اقتصاد مقاومتی»، برگرفته از تارنمای راسخون (<https://rasekhoon.net/article/show/693283>)؛ فروردین ۱۳۹۲.
۱۹. کریمی موغاری، زهرا و غلامرضا مهرانگیز؛ «تأثیر شاخص‌های توسعه بر درآمدهای مالیاتی ایران (با رویکرد هم‌انباشتگی)»، فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی؛ ش ۳۳، زمستان ۱۳۹۷، ص ۱۵۷-۱۸۲.
۲۰. ملکان، مجید و زهره جوادی؛ «نقش رسانه‌ها در نهادینه‌سازی اقتصاد مقاومتی»، رسانه؛ ش ۹۵، زمستان ۱۳۹۴، ص ۸۷-۱۰۰.
۲۱. هادیان، ابراهیم و علی تحویلی؛ «شناسایی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی در اقتصاد ایران»، فصلنامه علمی - پژوهشی برنامه‌ریزی و بودجه؛ ش ۲، تابستان ۱۳۹۲، ص ۳۹-۵۸.
22. Basheer, M., Ahmad, A., & Hassan, S (2019). Impact of economic and financial factors on tax revenue: Evidence from the Middle East countries. *Accounting*, 5, 2pp, 53-60
23. Briguglio, L (2003) "The Vulnerability Index and Small Island Developing States: A Review of Conceptual and Methodological
24. Briguglio, L, G. Cordina, N. Farrugia and S. Vella (2008) "Economic Vulnerability and Resilience: Concepts and Measurements," Oxford

- Development Studies, Vol. 37, Issue. 3, PP. 1810-2611.
25. Fullerton, D., & Metcalf, G. E (2002). Tax incidence. In A. J. Auerbach & M. Feldstein (Eds.) Handbook of public economics , Vol. 3, pp. 1787-1872.
 26. Gheorghe ZAMAN & Valentina VASILE,(2014) "Conceptual framework of economic resilience and vulnerability,at national and regional levels," Romanian Journal of Economics, Institute of National Economy, vol. 39(2(48)), pp 5-18,
 27. Jack, B., F. Jose, F. Herve, Bh. Manu, A. Drew and A. Harpaul (2013) The Centennial Resilience Index: Measuring Countries' Resilience to pShock". Global Journal of Emerging Market Economies, Vol. 5, No. 2, PP. 57-98.
 28. Khan, M. A., & Qayyum, A (2007). The impact of export on economic growth in Pakistan. The Pakistan Development Review, 46 4,pp, 747-765.
 29. Kitsos A.; Carrascal-Incera, A. & Ortega-Argilés, R (2019). "The Role of Embeddedness on Regional Economic Resilience: Evidence from the UK". Sustainability, 11 ,14, 3800.
 30. Mawejje, J(2019).The Oil Discovery in Uganda's Albertine Region: Local Expectations, Involvement, and Impacts. Extr. Ind. Soc. 6 (1), pp129-135.
 31. Sondermann, D (2018),("Towards more resilient economies: the role of well-functioning economic structures". Journal of Policy Modeling, 40 (1)pp, 97-117.
 32. Stevenson Joanne R, John Vargo, Vivienne Ivory, Chris Bowie & Suzanne Wilkinson (2015) Resilience Benchmarking & Monitoring Review, National Science Challenges.

